

نقد یک رأی صادره در خصوص ارتکاب جرم علیه محیط زیست

پوریا راستگو خیابوی⁻

ابوالفضل طاهرخانی⁻

چکیده

اهمیت محیط زیست به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری لزوم کیفردهی و مقابله با جرایم زیست محیطی را روشن می‌سازد. آنچه در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ تحت عنوان جرم تهدید علیه بهداشت عمومی مقرر گشته متفاوت از جرم زیست محیطی می‌باشد. مقام تشخیص جرم تهدید علیه بهداشت عمومی و جرم زیست محیطی به ترتیب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان حفاظت محیط زیست است. البته این بدان معنا نیست که سازمان مذکور در جرایم زیست محیطی شاکی است بلکه به عنوان متولی امر صرفاً گزارش‌دهنده وقوع جرم است. بدیهی است، قاضی رسیدگی کننده در صورت مواجهه با جرم زیست محیطی، ناگزیر بایستی به قوانین زیست محیطی مراجعه نموده و به مقررات منعکس شده در آن قوانین استناد نموده و از ظرفیت‌های قانونی موجود در آنها بهره گیرد. مطالب مذکور از جمله مواردی است که در رأی موضوع بحث مورد نقد قرار گرفته است. راهکار پیشنهادی برای فایق آمدن بر نقاط ضعف در رسیدگی به جرایم زیست محیطی ایجاد شعب تخصصی با بهره‌گیری از قضاتی است که نسبت به آموزه‌های حقوق محیط زیست از اشراف درخور توجهی برخوردار هستند.

واژگان کلیدی: جرم زیست محیطی، تهدید علیه بهداشت عمومی، گزارش‌دهنده جرم، شاکی، حقوق محیط زیست، حقوق بشر

⁻ دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه تهران، تهران، ایران

pooriarastgoo1996@ut.ac.ir

⁻ کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد تاستان، تاستان، ایران

ataherkhani61@gmail.com

متن رأی

«در خصوص کیفرخواست شماره ... مورخ ۱۴۰۱/۰۸/۳۰ صادره از دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان ... علیه آقای ... فرزند ... دائر بر تهدید علیه بهداشت عمومی از طریق انتشار دود با حجم وسیع حاصل از فرایند تولید موضوع گزارش و شکایت ادره محیط‌زیست شهرستان ابهر به نمایندگی ...؛ نظر به محتویات پرونده از جمله گزارش و شکایت ادره محیط‌زیست شهرستان ... اخطاریه‌های ارسالی توسط اداره شاکی و نظریه کارشناس اداره شاکی؛ اقرار صریح متهم در دادگاه و سایر قرائن و امارات بزه انتسابی نامبرده محرز و مسلم بوده لذا به استناد ماده ۶۸۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ با رعایت مفاد مواد ۶۴؛ ۶۶؛ ۶۷؛ ۷۰؛ ۸۳ و ۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با لحاظ ماده ۳۸ همان قانون بخاطر وجود جهات تخفیف از جمله اقرار صریح متهم و با در نظر گرفتن وضعیت؛ شخصیت؛ سن و سابقه ایشان و سایر اوضاع و احوال حاکم بر پرونده، حکم بر محکومیت متهم به پرداخت سی میلیون ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت به جایگزینی از تحمل نود و یک روز حبس تعزیری صادر و اعلام می‌شود و در صورت عجز از پرداخت جزای نقدی مجازات حبس قابل اجراست. رأی صادره حضوری بوده و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان زنجان می‌باشد.»

دادرس شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو شهرستان ...

مقدمه

بنابر گزارش اداره حفاظت محیط‌زیست شهرستان با موضوع «ایجاد آلودگی شدید هوا از طریق انتشار غیرمجاز غبارهای حاصل از ذوب آهن و فلزات»، وقوع جرم به دادستان اعلام می‌گردد. متعاقب ارجاع پرونده به شعبه دوم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب محل، شعبه مزبور پس از تکمیل تحقیقات مقدماتی، قرار جلب به دادرسی مدیرعامل شرکت به اتهام «تهدید علیه بهداشت عمومی» صادر شده و پرونده به دادگاه کیفری ۲ ارسال می‌شود. دادرس دادگاه، با حضور متهم در دادگاه و اقرار وی مستند به ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) حکم بر محکومیت متهم به پرداخت مبلغ سی میلیون ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت به جایگزینی از تحمل نود و یک روز حبس تعزیری به اتهام

تهدید علیه بهداشت عمومی صادر می‌کند. آنچه الهام‌بخش نقد رأی حاضر بوده است، اهمیت به‌سزای محیط‌زیست و حق بر داشتن محیط‌زیست سالم می‌باشد که در اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدان اشاره رفته است.^۱ حق بر داشتن محیط‌زیست سالم به عنوان «نسل سوم حقوق بشری»^۲ به شمار می‌رود که ارتباط تنگاتنگی با «اصل توسعه پایدار»^۳ دارد؛ به گونه‌ای که حفظ محیط‌زیست زمینه توسعه بهتر را فراهم می‌کند و عدم توجه به آن حصول توسعه پایدار را مختل می‌سازد (موسوی، ۱۳۹۱: ۲۶). مطالب مذکور در خصوص اهمیت موضوع به طبع جرایم علیه محیط‌زیست را در وضعیت متفاوت تری نسبت به سایر جرایم قرار می‌دهد. رأیی که در پی نقد کردن آن هستیم دارای ابعاد و ویژگی‌هایی است که امید است نقد آن تأثیری در پیشبرد دانش حقوق و ایجاد نگرشی نو نسبت به جرایم علیه محیط‌زیست داشته باشد.

۱. نقد شکلی

۱.۱. موارد نگارشی و تایپی

با عنایت به تبلور نتایج مطالعات حقوقی و نظریات حقوقدانان و تلاش‌های محققین و قانون‌گذاران در آرای مراجع قضایی و جایگاهی که رأی در احقاق عدالت و فصل خصومت دارد تردیدی در لزوم رعایت قواعد ادبی و نگارشی در رأی باقی نمی‌ماند (اعظمی چهاربرج، ۱۳۹۱: ۲). در نگارش و انشای رأی بایستی قواعد ادبی و نگارشی رعایت شود تا درک صحیح آن برای خوانندگان رأی ممکن گردد. در رأی حاضر چندین مورد اشتباه تایپی و نگارشی ملاحظه می‌گردد که شایسته بود قاضی محترم صادرکننده رأی، قبل از تنظیم و صدور نسخه نهایی نسبت به اصلاح آن‌ها مبادرت می‌نمود. یکی از این ایرادهای نگارشی مربوط به نوشتن واژه‌های «دائر» و «قرائن» به جای واژه‌های «دایر» و «قراین» به ترتیب

۱. در جمهوری اسلامی ایران، حفاظت از محیط‌زیست که نسل‌های امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد، از این‌رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است.

2. Third generation of human rights

3. Sustainable development

در سطرهای دوم و پنجم رأی است؛ چرا که به موجب قواعد دستور زبان فارسی باید از استفاده همزه در عبارات فارسی اجتناب کرد. به کاربردن نقطه‌ویرگول میان شماره‌های مواد قانونی و بین واژه‌های «وضعیت» و «شخصیت» در سطر هشتم رأی یکی دیگر از ایرادهای نگارشی است که بایستی به جای آن از ویرگول استفاده می‌شد. اشتباه‌های تایپی همچون نگارش «ادره» به جای «اداره» در سطرهای سوم و چهارم رأی، «شهرستان» به جای «شهرستان» در سطر سوم رای و ذکر «۱۳۷۰» به جای «۱۳۷۵» به عنوان تاریخ تصویب کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) قابل مشاهده است. در نهایت می‌توان به عدم رعایت فاصله و نیم فاصله در متن رای اشاره داشت که به طبع خوانش رأی را با دشواری همراه خواهد ساخت.

۲.۱. اکتفا به کلی‌گویی در متن رأی

رأی صادره باید صریح و روشن باشد به نحوی که مقصود و مدلول رأی قابل فهم باشد. وضوح و شفافیت در رأی به عنوان یکی از شاخصه‌های رأی متقن و قوی نه تنها باعث می‌شود تا از این رهگذر، اصحاب پرونده به راحتی با رأی صادره ارتباط برقرار کرده و نسبت به قانونی و صحیح بودن نظر اتخاذی، متقاعد شوند؛ بلکه بر قوت و استحکام رأی خواهد افزود (باقری و صدافتی، ۱۳۹۳: ۱۶۲). بدیهی است، کلی‌گویی و وجود ابهام در رأی مانعی در جهت ارتقای محتوای آن است. در رأی حاضر نیز مصادیقی از کلی‌گویی و عدم وضوح مشاهده می‌شود که عبارت‌های «سایر قراین و امارات» در توجیه مستندبودن رأی و «سایر اوضاع و احوال حاکم بر پرونده» در توجیه صدور مجازات جایگزین حبس از این نمونه هستند. اینکه سایر قراین و امارات دقیقاً به چه معناست و شامل چه موردی می‌شود، مشخص نیست. شایسته بود مقام قضایی محترم صادرکننده رأی پس از ذکر سایر قراین و امارات به صورت روشن متذکر مصداق یا مصادیق آن می‌شد و چنانچه چنین مصداقی نبود از ذکر آن صرف‌نظر می‌کرد. این ایراد در خصوص عبارت «سایر اوضاع و احوال حاکم بر پرونده» نیز وارد است و مشخص نیست چنین اوضاع و احوالی شامل چه مواردی می‌شود. با تدقیق در شماره مواد مربوط به مجازات جایگزین حبس

می‌توان دریافت که ایراد کلی‌گویی در خصوص مواد قانونی مجازات جایگزین حبس نیز صادق است. توضیح آن‌که در ذکر مستندات قانونی استفاده از تأسیس مجازات جایگزین حبس به ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲^۱ اشاره شده است که دلالت بر دوره مراقبت دارد که طی آن دوره محکوم‌علیه، به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام کیفری به انجام یک یا چند مورد از دستورهای مندرج در تعویق مراقبتی (موضوع ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی)^۲ ملزم می‌گردد که در رأی صادره چنین دوره‌ی مراقبت و یا دستوری که محکوم‌علیه به انجام آن الزام گردد، ملاحظه نمی‌گردد. مورد دیگر، مربوط به مقرر مذکور در ماده ۶۷ قانون اخیرالذکر است. مطابق ماده مزبور، به منظور صدور حکم بر مجازات جایگزین حبس در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها تا یک سال حبس است، مرتکب بزه نبایستی بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی بیش از ده میلیون ریال یا شلاق تعزیری و یا یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک پنجم دیده داشته باشند. شایسته بود در رأی صادره در خصوص توجیه صدور مجازات جایگزین حبس به جای ذکر عبارت کلی «سایر اوضاع و احوال حاکم بر پرونده» به ذکر و تبیین عدم وجود موانع برای صدور مجازات جایگزین حبس می‌پرداخت. اکتفا به

۱. دوره‌ی مراقبت دوره‌ای است که طی آن محکوم، به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام به انجام یک یا چند مورد از دستورهای مندرج در تعویق مراقبتی به شرح ذیل محکوم می‌گردد:
(الف) در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها حداکثر سه ماه حبس است، تا شش ماه
(ب) در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها نود و یک روز تا شش ماه حبس است و جرایمی که نوع و میزان تعزیر آن‌ها در قوانین موضوعه تعیین نشده است، شش ماه تا یک سال
(پ) در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها بیش از شش ماه تا یک سال است، یک تا دو سال
(ت) در جرایم غیرعمدی که مجازات قانونی آن‌ها بیش از یک سال است، دو تا چهار سال
۲. تعویق مراقبتی همراه با تدابیر زیر است:

(الف) حضور به موقع در زمان و مکان تعیین شده توسط مقام قضایی یا مددکار اجتماعی ناظر
(ب) ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل‌کننده نظارت بر اجرای تعهدات محکوم برای مددکار اجتماعی
(ت) کسب اجازه از مقام قضایی به منظور مسافرت به خارج از کشور

کلی‌گویی در متن رأی می‌تواند موجب خدشه‌دار شدن موجه‌بودن^۱ رأی صادره گشته و به تبع منجر به عدم تأمین عدالت قضایی گردد.

۲. نقد ماهوی

۱.۲. عدم تفکیک میان شاکی خصوصی و گزارش‌دهنده جرم

همان‌گونه که در متن رأی ملاحظه می‌گردد، اتهام تهدید علیه بهداشت عمومی موضوع گزارش و شکایت اداره‌ی محیط‌زیست عنوان شده است. به عبارت روشن‌تر، اداره محیط‌زیست در رأی حاضر هم شاکی و هم گزارش‌دهنده وقوع جرم معرفی شده و دو مقام شاکی و گزارش‌دهنده جرم در وی جمع شده است. این در حالیست که این دو مورد در بندهای «الف» و «ب» ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴^۲ به طور جداگانه ذکر گردیده است و به تبع بایستی میان این جهات قانونی شروع به تعقیب قایل به تفکیک شد. وفق تعریف ارائه شده در ماده ۱۰ قانون اخیرالذکر،^۳ شاکی به بزه‌دیده‌ای اطلاق می‌گردد که مستقیماً از وقوع جرم لطمه دیده و تقاضای تعقیب متهم را می‌نماید و بزه‌دیده غیرمستقیم اعلام‌کننده جرم محسوب می‌شود (خالقی، ۱۳۹۸: ۳۷). از همین رو، در قضیه حاضر نمی‌توان اداره محیط‌زیست را به عنوان شاکی تلقی نمود لذا، نقش اداره مزبور به جهت اینکه مستقیماً از وقوع بزه متحمل زیان نگردیده است، صرفاً گزارش‌دهنده جرم است. لازم به ذکر است، تفکیک میان شاکی و گزارش‌دهنده جرم واجد آثار مهمی همچون قابلیت اعتراض به قرار منع و موقوفی

۱. ماده ۳۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری: «دادگاه پس از اعلام ختم دادرسی با استعانت از خداوند متعال، با تکیه بر شرف و وجدان و با توجه به محتویات پرونده و ادله موجود، در همان جلسه و در صورت عدم امکان در اولین فرصت و حداکثر ظرف یک هفته به انشای رأی مبادرت می‌کند. رأی دادگاه باید مستدل، موجه و مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که بر اساس آن صادر شده است»

۲. جهات قانونی شروع به تعقیب به شرح ذیل است:

الف-شکایت شاکی یا مدعی خصوصی

ب-اعلام و اخبار ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن

۳. بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، «شاکی» و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، «مدعی خصوصی» نامیده می‌شود.

دادسرا و رأی دادگاه می‌باشد؛ بدین توضیح که با تلقی اداره محیط‌زیست به عنوان گزارش‌دهنده جرم، اداره مذکور نمی‌تواند به قرار منع و موقوفی صادره از دادسرا به جهت قطعی بودن آن اعتراض کند و همچنین نمی‌تواند نسبت به رأی صادره از دادگاه، تجدیدنظر خواهی نماید. با توجه به تصریح به قابل تجدیدنظر بودن رأی صادره می‌توان دریافت که قاضی صادرکننده رأی، اداره محیط‌زیست را در موضوع بحث حاضر شاکی تلقی نموده است که دیدگاه مزبور با توجه به مطالب فوق‌الذکر قابل پذیرش نبوده و ناشی از تفسیر نادرست از ماده قانونی و اشتباه در انطباق مصداق با موضوع از سوی دادرس می‌باشد.

۲.۲. تلقی جرم زیست‌محیطی به مثابه تهدید علیه بهداشت عمومی

بزه انتسابی و عنوان مجرمانه‌ای که در رأی موضوع حکم دادگاه قرار گرفته، تهدید علیه بهداشت عمومی است؛ هر چند که رفتار ارتكابی از سوی محکوم‌علیه انتشار دود با حجم وسیع و انتشار غیرمجاز غبارهای حاصل از ذوب آهن و فلزات است. حال، سوالاتی که به ذهن متبادر می‌گردد آن است که آیا وفق ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (بخش تعزیرات)^۱، جرایم زیست‌محیطی به منزله تهدید علیه بهداشت عمومی است؟ آیا مقام تشخیص جرم تهدید علیه بهداشت عمومی، اداره محیط‌زیست می‌باشد؟ به نظر می‌رسد، جرم زیست‌محیطی الزاماً مساوی با تحقق جرم تهدید علیه بهداشت عمومی نیست. منطقی آن است که رابطه بین این جرایم را عموم و خصوص من وجه از میان نسب اربعه منطقی تلقی کنیم؛ بدین گونه که هر جرم زیست‌محیطی بزه تهدید علیه بهداشت عمومی نیست و بالعکس. مستفاد از تبصره ۱ ماده ۶۸۸ قانون فوق‌الاشعار، مقام اعلام‌کننده و تشخیص‌دهنده‌ی جرم تهدید علیه بهداشت عمومی «وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» است لذا، همان گونه که از مفهوم و منطوق ماده ۶۸۸ برمی‌آید،

۱. هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیر بهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پس‌آب تصفیه‌خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می‌باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد.

سازمان محیط‌زیست نمی‌تواند مقام تشخیص جرم تهدید علیه بهداشت عمومی باشد (نجات و دبیری، ۱۳۹۴: ۱۷۹). از موارد استنادی منعکس‌شده در رأی صادره می‌توان دریافت که صدور حکم بر محکومیت شخص دایر بر تهدید علیه بهداشت عمومی صرفاً با گزارش اداره محیط‌زیست بوده و اخذ نظر تخصصی اداره بهداشت و درمان و آموزش پزشکی به عنوان مقام تشخیص‌دهنده قابل مشاهده نیست.

۳.۲. عدم توصیف فعل مجرمانه و استناد به عناوین کیفری دیگر موجود در

قوانین جزایی

همان‌گونه که پیش‌تر ذکر گردید، در قضیه حاضر، قاضی صادرکننده رأی صرفاً به عنوان مجرمانه تهدید علیه بهداشت عمومی اکتفا نموده است؛ این در حالیست که آن‌چه واقع شده در حقیقت جرم زیست‌محیطی است و ناگزیر بایستی به قوانین موجود در این زمینه استناد شده و از ظرفیت‌های این قوانین بهره برده شود. یکی از این ظرفیت‌ها مربوط به مقررره پیش‌بینی شده در تبصره ۲ ماده ۱۲ قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶^۱ است. در گزارش ارائه‌شده از سوی اداره محیط‌زیست به ابلاغ دو مرحله‌ای به مدیریت واحد تولیدی جهت کنترل انتشار آلاینده‌ها و در نهایت عدم ترتیب اثر به اخطار کنترل آلودگی تصریح شده است. با وجود تصریح نهاد متولی محیط‌زیست در گزارش ارائه‌شده، قاضی محترم بدان موضوع نپرداخته و در رأی صادره نفیاً یا اثباتاً راجع به آن اظهارنظر ننموده است. قانون حفاظت و

۱. ماده ۱۲: «سازمان مکلف است که تمامی مراکز و واحدهای صنعتی، تولیدی، عملیات معدنی، خدماتی، عمومی و کارگاهی را که آلودگی آنها بیش از حد مجاز مصوب است، مشخص نموده و مراتب را با تعیین نوع، میزان آلودگی، وسعت منطقه تحت تاثیر و حساسیت منطقه به مالکان یا مسئولان یا مدیران عامل و یا بالاترین مقام تصمیم‌گیر واحد ابلاغ کند تا در مهلت معینی که توسط سازمان تعیین می‌شود نسبت به رفع آلودگی یا تغییر تولید یا تغییر فرآیند تولید یا تعطیلی کار و فعالیت خود (براساس نوع آلودگی و ماهیت فرآیند کنترلی) اقدام نمایند. در طی مدت تعیین تکلیف این واحدها، طبق مفاد این قانون، به واحدهای مذکور، جریمه ایجاد و انتشار آلودگی تعلق می‌گیرد. تبصره ۲: در صورت عدم اجرای مفاد این ماده، در پایان مهلت مقرر، سازمان از ادامه فعالیت آنها جلوگیری نموده و متخلف را جهت پیگرد قضایی، طبق مفاد این قانون به مرجع قضایی صالح معرفی می‌کند. واحد تولیدی علاوه بر جبران خسارت وارده به پرداخت جریمه نقدی معادل سه تا پنج برابر خسارت وارده به محیط‌زیست محکوم می‌شود»

بهسازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳ با اصلاحات ۱۳۷۱ از دیگر قوانین زیست‌محیطی است که در رأی مورد بررسی بدان اشاره‌ای نرفته است. مطابق ماده ۱۲ قانون مذکور، در صورت تخلف صاحبان یا مسئولان کارخانجات آلوده‌کننده محیط‌زیست از موضوع ابلاغ سازمان ضمانت اجرای حبس و جزای نقدی را به دنبال خواهد داشت.^۱ در خصوص این ظرفیت قانونی مورد اشاره در قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مطلبی در جهت تایید یا رد آن در رأی صادره ملاحظه نمی‌گردد. پر واضح است که بهره‌گیری از این مقررات می‌توانست اعمال مقررات تعدد جرم را در پی داشته باشد همچنین جزای نقدی درخور توجه مقرر در قانون هوای پاک می‌تواند تا حدودی اثرات منفی بزه واقع شده را کاهش داده و جنبه پیشگیرانه داشته باشد تا این‌که محکوم‌علیه مرتکب آلودگی هوا نگشته و تکنولوژی لازم به منظور کنترل انتشار گازهای گلخانه‌ای را مورد استفاده قرار دهد. در نهایت، ذکر این نکته لازم به نظر می‌رسد که مجازات مورد حکم مبنی بر پرداخت مبلغ سی میلیون ریال در حق صندوق دولت در قبال ارتکاب بزه‌ی که علیه زیستگاه نسل‌های حاضر و آینده بوده و حیات رو به رشد آن‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، مجازات متناسب و بازدارنده‌ای نیست.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش مشخص گردید که وفق ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اطلاق عنوان شاکی به اداره محیط‌زیست صحیح نبوده و اداره مذکور در جرایم زیست‌محیطی صرفاً گزارش‌دهنده جرم است. همچنین نایبستی جرایم زیست‌محیطی را الزاماً به منزله‌ی جرم تهدید علیه بهداشت عمومی تلقی کرد؛ چرا که مقام تشخیص‌دهنده جرم مزبور، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است نه سازمان حفاظت محیط‌زیست. شایسته است، قضات مستقر در محاکم کیفری در

۱. ماده ۱۲: «صاحبان یا مسئولان کارخانجات و کارگاه‌های موضوع ماده ۱۱ مکلفند به محض ابلاغ دستور سازمان، کار یا فعالیت ممنوع شده را متوقف و تعطیل نمایند. ادامه کار یا فعالیت مزبور منوط به اجازه سازمان یا رای دادگاه صلاحیتدار خواهد بود. در صورت تخلف به حبس جنحه‌ای از شصت و یک روز تا یک سال و یا پرداخت جزای نقدی از پانصد ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهند شد.»

مواجهه با جرایم زیست‌محیطی به قوانینی که به طور خاص در این زمینه تنظیم و تصویب شده‌اند همچون قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶ و قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳ با اصلاحات ۱۳۷۱ مراجعه و استناد نموده و از ظرفیت‌های موجود در این قوانین بهره ببرند که در رأی موضوع بررسی از این مهم غفلت شده است. علاوه بر این مورد، در رأی صادره، لزوم برخورد کیفری با بزه ارتكابی جهت افزایش غنای رأی و ارتقاء مقبولیت آن همچون حق بر محیط‌زیست سالم به عنوان نسل سوم حقوق بشری، ارتباط حقوق محیط‌زیست با توسعه پایدار نیز توجیه نشده و رأی از فقر ادبیاتی ملموس در خصوص حقوق محیط‌زیست رنجور است. علت این امر را بایستی در عدم اشراف قاضی صادرکننده رأی نسبت به حقوق محیط‌زیست جست‌وجو نمود. در نهایت، راهکاری که جهت افزایش بازدهی رسیدگی و صدور آراء متقن در خصوص پرونده‌های زیست‌محیطی پیشنهاد می‌گردد، ایجاد شعب تخصصی رسیدگی به جرایم زیست‌محیطی و بهره‌گیری از قضات مسلط با حقوق محیط‌زیست است.

منابع

- 0 اعظمی چهاربرج، حسین (۱۳۹۱)، درآمدی بر روش‌شناسی و انواع نقد رأی، فصلنامه نقد رأی، سال اول، شماره ۱.
- 0 باقری، یوسف و صداقتی، سهام (۱۳۹۳)، شاخصه‌های رأی قوی و متقن، فصلنامه قضاوت، دوره ۱۴، شماره ۷۹.
- 0 خالقی، علی (۱۳۹۸)، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ چهاردهم، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- 0 موسوی، فضل‌الله (۱۳۹۱)، سیر تحولات منابع حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- 0 نجات، امین و دبیری، فرهاد (۱۳۹۴)، بررسی چالش‌های کیفری ناشی از اجرای ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، فصلنامه مطالعات حقوقی، دوره ۷، شماره ۲.

